

عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

محمد مهدی اسماعیلی *

میثم عباسی فیروزجانه **

پذیرش نهایی: ۹۵/۱۲/۰۱

دریافت مقاله: ۹۵/۰۷/۱۱

چکیده

هدف این مقاله، بررسی عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای است. از دید رهبری، عقلانیت جزء جدانشدنی انقلاب به شمار می‌رود که در کنار دو مفهوم معنویت و عدالت، ابعاد اصلی مکتب امام خمینی (ره) را تشکیل می‌دهد. انقلاب بر حسب عقلانیت خاص خود به تولید مفاهیمی می‌پردازد که برای اداره جامعه و حرکت به سمت الگوی مطلوب پیشرفت از اهمیت اساسی برخوردار است. این پژوهش با طرح این پرسش، که «مضمونهای برآمده از عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟» درصدد است با استفاده از روش تحلیل مضمون، شبکه‌ای از مضمونها نظیر دین‌محوری، باهم‌بودگی، عدالتخواهی، استکبارستیزی و مردم‌سالاری را از بیانات رهبری استخراج کند و مورد بررسی قرار دهد. از نظرگاه رهبری، این مضمونها آموزه‌هایی ذهنی و مبتنی بر قوه مجرد عقلی نیست، بلکه مفاهیمی «عملی» و «تمدن‌ساز» است که جمهوری اسلامی باید در راستای تحقق آن حرکت کند. بنابراین، ترسیم و بازنمایی محورها و مؤلفه‌های عقلانیت در انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبری مقصود این نوشتار است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، استکبارستیزی، باهم‌بودگی، عدالتخواهی، عقلانیت، دین‌محوری، مردم‌سالاری.

مقدمه

آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان «مفسر انقلاب و اندیشه‌های امام خمینی (ره)» دانست؛ کسی که سعی کرده است با تفسیر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و با عطف نظر به اقتضائات زمان الگویی برای پیشرفت ایران اسلامی در نظر گیرد. یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی، عنصر «عقلانیت» است. رهبری انقلاب اسلامی در بیانات متعددی به نقش «عقلانیت» در بنیان‌های هستی‌شناختی و معرفتی اسلام اشاره کرده، و انقلاب اسلامی ایران را نیز بر مبنای آن، «انقلابی عقلانی» خوانده‌اند. رهبری در سخنرانیهای مختلف بویژه در سخنرانیهای سالگرد امام (ره)، سعی کرده‌اند اندیشه‌های انقلاب اسلامی را بر مبنای «عقلانیت» تفسیر و تبیین کنند به گونه‌ای که واژه عقلانیت یکی از پرکاربردترین واژگان مبنایی در سخنرانیهای ایشان بوده است. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، ۳۴ شناسه مفهومی از سخنرانیهای رهبری در ارتباط با موضوع عقلانیت استخراج شده است که اساس کار این مقاله خواهد بود.

۱ - روش پژوهش

در تدوین این پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، روش شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در بیشتر روشهای کیفی به کار رود. علاوه بر این، تحلیل مضمون امکان تبدیل اطلاعات کیفی به کمی را نیز فراهم می‌کند. به‌طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای: ۱ - دیدن متن ۲ - برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب ۳ - تحلیل اطلاعات کیفی ۴ - مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ ۵ - تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (شیخ‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۵۳).

تحلیل مضمون به روشهای گوناگونی قابل اجرا است. در این پژوهش از روش «شبکه مضامین» استفاده شده است. آنچه شبکه مضامینها عرضه می‌کند، نقشهای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)، سپس با دسته‌بندی این مضمونهای پایه‌ای و

تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعیتر دست پیدا می‌کند (مضمونهای سازمان‌دهنده). در قدم سوم این مضمونهای عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده می‌شود و به صورت مضمونهای حاکم بر کل متن در می‌آید (مضمونهای فراگیر)؛ سپس این مضمونها به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم، و مضمونهای برجسته هر یک از سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه‌های مضمون به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شود تا تصور وجود هر گونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود؛ باعث شناوری مضمونها، و بر وابستگی متقابل میان شبکه تأکید شود. در این نوع تحلیل، سعی می‌شود از مضمونهای پایه‌ای که آشکار و مصرح است به سوی مضمونهای انتزاعیتر و کلیتر حرکت شود تا به مضمون (یا مضامین) اصلی متن دست پیدا کنیم. بنابراین، شبکه مضمونها بر اساس روشی مشخص، این مضمونها را نظام‌مند می‌کند:

۱ - مضمونهای پایه (شناسه‌ها و نکات کلیدی متن) ۲ - مضمونهای سازمان‌دهنده (مقولات به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضمونهای پایه) ۳ - مضمونهای فراگیر (مضمونهای عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به عنوان کل) (درخشه و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۷).

۲ - عقلانیت انقلاب اسلامی

عقلانیت انقلاب اسلامی، دستگاهی از قواعد معین و پذیرفته‌شده در برهه‌ای از تاریخ ماست که در خلال آن به آن ارزش و اعتبار داده می‌شود. عقلانیت انقلابی به عنوان عقلانیتی برساخته، همه مبادی و قواعدی است که انقلاب اسلامی به مثابه شالوده‌ای برای کسب معرفت، پیش پای گروندگان به آن قرار می‌دهد. برای فهم عقلانیت انقلاب می‌توان از تقسیم‌بندی آندره لالاند^۱ (۱۹۳۶ - ۱۸۷۶م) متفکر فرانسوی استفاده کرد که درباره عقل انجام داده است. لالاند بین «عقل برساننده یا کنشگر یا فاعل» (عقل مکوّن) و «عقل برساخته یا متعارف» (عقل مکوّن) تمایز قائل است.^(۱)

عقلانیت سیاسی انقلاب در جایگاه عقل مکوّن (برساخته) به نظمی از معرفت و دانش ناظر است که متناسب و متقارن با محیط فرهنگی و اجتماعی است (جابری، ۱۳۷۶: ۱۲۴). از این رو در توضیح عقلانیت انقلابی می‌توان آن را عقلانیتی برساخته دانست که در بستر فرهنگ انقلاب

اسلامی شکل گرفته است و البته این عقلانیت برساخته از یک سو در بنیادهای فکری رهبران انقلاب اسلامی ریشه دارد؛ برای مثال، امام خمینی (ره) با توجه به عنصر «عقلانیت دینی»، مبنای اصلی مبارزه با رژیم طاغوت پهلوی را غیر عقلایی بودن این رژیم با توجه به منطق اسلام بر می‌شمارند و خواست ملت را کنار زدن این رژیم غیر عقلی و جایگزینی آن با جمهوری اسلامی عنوان می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۹). از همین رو مقام معظم رهبری در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «دو بعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بعد معنویت و بعد عقلانیت است» (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

از سوی دیگر، عقلانیت انقلابی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی خود برآمده از بنیادهای هویتی و معرفتی در تمدن اسلامی - ایرانی است. بنابراین عقلانیت برساخته انقلاب اسلامی تحت تأثیر عقلانیت بر سازنده فلسفی، عرفانی، فقهی، کلامی و بنیادهای هویتی اسلامی - ایرانی (عقلانیت بر سازنده) و نیز مواجهاات متأخری است که با تجدد در ایران شکل گرفته، و این نوع عقلانیت خود نظام دانایی به وجود آورده است که می‌تواند در ترسیم مبانی فکری و معرفتی انقلاب اسلامی مؤثر واقع شود.

در اینجا عقلانیت انقلابی به معنای «به حاشیه راندن عقلانیت غربی و به میدان آوردن عقلانیت اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان» است. به منظور استكمال معنوی آدمیان، عقلانیت انقلاب اسلامی، نخست در ایجاد یا تحکیم و تقویت عقاید حق در مردم سعی می‌کند و سپس از آن عقاید حق در جهت مقاصد انقلاب بهره می‌جوید (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ۹۰). رهبری انقلاب اسلامی در این باره می‌فرمایند: «انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این طور نبود که مردم همین طور بی حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن‌چنانی را ساقط کنند؛ محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود... بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است» (۱۳۸۴/۰۶/۰۸). در ادامه، وجوهی از عقلانیت انقلاب اسلامی با تعمق در بیانات مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳ - عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

در اینجا سه مرحله اساسی (به لحاظ تحلیلی) از هم متمایز می‌شود تا بتوان عناصر و مؤلفه‌های

عقلانیت انقلاب اسلامی را از دید رهبری مشخص کرد که عبارت است از: تجزیه متن، تشریح متن و ترکیب متن.

۱ - ۳ - تحویل متن

در گام اول از تحلیل مضمونی لازم است مضمونهای پایه از متن اصلی استخراج شود. در اینجا متن اصلی، که نقل قولهایی از رهبری انقلاب اسلامی است قبلاً انتخاب شده و در قالب شناسه‌هایی سازماندهی شده است. هر کدام از این نقل قولها حاوی مضمونی است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌شود. این مضمونها، که از متن اصلی استخراج شده است، «مضمونهای پایه‌ای» نامیده می‌شود:

جدول ۱: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱	این قرن، قرن اسلام است. این قرن، قرن معنویت است. اسلام عقلانیت را و معنویت را و عدالت را با یکدیگر به ملتها هدیه می‌دهد. اسلام عقلانیت، اسلام تدبیر و تفکر، اسلام معنویت، اسلام توجه و توکل به خدای متعال، اسلام جهاد، اسلام کار، اسلام اقدام؛ اینها تعالیم خدای متعال و تعالیم اسلامی است به ما (۱۳۹۰/۱۱/۱۰).	اسلام عقلانیت، معنویت و عدالت را با یکدیگر به ملتها هدیه می‌دهد.
۲	دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).	معنویت و عقلانیت دو بعد مکتب امام است.
۳	عقلانیت امام هم از اسلام است. معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است. این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجهی به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند؛ به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود؛ هم مراقب معنویت بود؛ هم با همه وجود متوجه به بُعد عدالت بود (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).	عقلانیت امام نشأت گرفته از متن دین بود.
۴	انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود ... این، بارزترین نمونه عقلانیت امام بزرگوار ما بود (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).	انتخاب مردم‌سالاری بارزترین نمونه عقلانیت امام بود.
۵	یک نمونه دیگر از عقلانیت امام و تکیه او به خرد و هوشمندی، عبارت است از سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم ... آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضا می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوام‌یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش به پیشروی دشمن می‌انجامد (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).	سرسختی و عدم انعطاف امام در برابر دشمن از مظاهر عقلانیت مکتب امام بود.

ادامه جدول ۱: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۶	یک مظهر دیگر، تدوین قانون اساسی بود. امام خیرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی با انتخاب ملت این کار را انجام دادند ... بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرای مردم قرار داد و رفراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).	تدوین قانون اساسی توسط منتخبان ملت مظهر عقلانیت امام خمینی (ره) بود.
۷	معنویت و عدالت با هم ملاحظه می‌شوند. شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند. عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود (۱۳۸۸/۰۷/۰۲).	عدم پیوستگی عقلانیت، عدالت و معنویت موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد شد.
۸	در عدالت، هم عقلانیت بایستی مورد توجه باشد، هم معنویت... اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود؛ اگر درست در باب عدالت محاسبه نباشد (۱۳۸۸/۰۶/۱۶).	عدالت فاقد عقلانیت به ضد خودش تبدیل می‌شود.
۹	بنابراین در عدالت، عقلانیت شرط اول است (۱۳۸۸/۰۶/۱۶).	در عدالت، عقلانیت شرط اول است.
۱۰	بدیهی است که بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند. ... اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری. اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند و آن چیزی که انسان تصور می‌کند عدالت است، می‌آید و جای عدالت واقعی را می‌گیرد. بنابراین معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است ... اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف‌والایی که همه برای او کار می‌کنند، این باشد (۱۳۸۷/۰۶/۰۲).	بدون معنویت و عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند.
۱۱	اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است: یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است درحالی‌که نیست و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).	عدالت با عقلانیت و معنویت در هم تنیده شده است.

ادامه جدول ۱: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۱۲	عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقلگرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست. محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود ... بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به هیچ‌وجه مخلوط نکنید؛ اینها دو چیز است (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).	عقلانیت با محافظه‌کاری تفاوت دارد.
۱۳	انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی‌حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن‌چنانی را ساقط کنند. محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود. در طول سالهای متمادی - به تعبیر رایج امروز - یک گفتمان حق‌طلبی، عدالت‌خواهی و آزادیخواهی در بین مردم به وجود آمده بود ... بنابراین عقلانیت گاهی منشأ چنین تحولات عظیمی است (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).	انقلاب اسلامی ناشی از عقلانیت بود.
۱۴	تا می‌گوییم محاسبه و عقلانیت، عده‌ای می‌گویند مواظب باشید، دست از پا خطا نکنید، عقل را رعایت کنید؛ مبدا یک حرف آن‌چنانی بزنید که در دنیا آن‌طوری بشود؛ مبدا یک کار آن‌چنانی بکنید که دنیا صفاً آرایی کند. اینها عقلانیتِ محافظه‌کارانه است. من به این اصلاً اعتقاد ندارم (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).	عقلانیت محافظه‌کارانه غیر قابل قبول است.
۱۵	اگر بخواهید عدالت را بدرستی اجرا کنید، احتیاج دارید به محاسبه عقلانی و به کار گرفتن خرد و علم در بخشهای مختلف تا بفهمید چه چیزی می‌تواند عدالت را برقرار کند و اعتدالی را که ما بنای زمین و زمان را بر اساس آن اعتدال خدادادی می‌دانیم و مظهرش در زندگی ما عدالت اجتماعی است، تأمین کند (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).	در اجرای درست عدالت به عقلانیت نیاز است.
۱۶	خرد خیلی مهم است. عقلگرایی در تصمیم‌گیریها بسیار حائز اهمیت است. تصمیم، خردمندانه و شجاعانه. خردمندی را به معنای ترس و گریز و عقب‌نشینی نباید معنا کرد. خردمندی همراه با شجاعت ... شجاعت با عقل‌مداری باید همراه باشد (۱۳۸۹/۵/۲۷).	عقلانیت باید با شجاعت همراه باشد.
۱۷	پیروی از آنچه عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است؛ این هم امر دینی است (۱۳۹۲/۰۴/۱۹).	پیروی از عقل، دینی است.
۱۸	عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).	عقلانیت از شرایط دستیابی به عدالت است.
۱۹	منطق امام بزرگوار ما، منطق عقل، منطق فکر، منطق عمل روشن‌بینانه، منطق انسانیت و هنجار انسانی و اخلاق انسانی و فضائل اخلاقی بود؛ دنیا دنبال این است (۱۳۸۴/۰۶/۱۱).	منطق امام خمینی منطق عقلانیت بود.

ادامه جدول ۱: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۲۰	اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت؛ این سه شاخص عمده در آن هست (۱۳۸۳/۵/۲۵).	انقلاب اسلامی به معنویت، عقلانیت و عدالت متکی است.
۲۱	عقلانیت مهمترین ابزار کار ماست؛ عقل را به کار می‌گیریم. همین‌طور که در اصول سیاست خارجی بارها گفته‌ایم، حکمت یکی از اصول سه‌گانه ماست و در کنار آن، مصلحت. ما حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم. این، مخصوص سیاست خارجی ما نیست، بلکه در همه زمینه‌هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست (۱۳۸۳/۵/۲۵).	مهمترین ابزار کارکرد انقلاب اسلامی به کارگیری عقلانیت حکیمانه و مدبرانه عمل می‌کنیم. این، مخصوص سیاست خارجی ما نیست، بلکه در همه زمینه‌هاست. اسلام ما اسلام عقلانی است. عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست (۱۳۸۳/۵/۲۵).
۲۲	اسلام ما این است: اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت (۱۳۸۳/۵/۲۵).	اسلام انقلاب، اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت است.
۲۳	ضلع اول گفتمان عدالت، جنبش نرم‌افزاری و نهضت تولید علم است. برای تحقق عدالت در موقعیت کنونی مناسبات و روابط اجتماعی، نیاز به طراحی نهادها و ساختارهای نو و متناسب با عقلانیت اسلامی است و نهضت و حرکت تولید دانش می‌بایست بتواند ظرفیت نرم‌افزاری سخت‌افزار نظام سیاسی را برای مدیریت عادلانه و توزیع ثروت و قدرت و منزلت ایجاد کند (۱۳۸۳/۸/۱۰).	تحقق عدالت نیازمند عقلانیت اسلامی است.
۲۴	اسلام را متهم کردن به اینکه از عقلانیت جداست و نسبت به عقل بی‌اعتناست، همان‌قدر ظالمانه است که انکار یک امر بدیهی؛ انکار منافع خورشید یا انکار نور خورشید (۱۳۸۵/۶/۲۷).	جدا کردن اسلام از عقلانیت، ظالمانه است.
۲۵	آزاد فکری و عقلانیت شیعه، این دو عنصر در کنار هم، مایه افتخار ماست. تفکرات شیعه، عقلانی است. ما از اول تشیع در تعالیم ائمه (علیهم‌السلام) به سوی عقل، منطق و استدلال سوق داده شدیم و همین‌طور هم باید عمل بکنیم؛ حتی در فقه (۱۳۸۵/۰۸/۱۷).	تفکرات شیعه، عقلانی است.
۲۶	دین اگر چه که پایه‌اش عقلانیت و فلسفه و استدلال است ... (۱۳۸۶/۰۴/۱۴).	پایه دین، عقلانیت است.
۲۷	انتخابات یک عرصه ظهور و بروز وحدت ما، عقلانیت ما، شعور ملی ما می‌تواند قرار بگیرد (۱۳۸۶/۰۷/۲۱).	انتخابات، عرصه ظهور عقلانیت است.
۲۸	درس این حادثه [انقلاب اسلامی] برای ملت ایران در همه دورانها یک درس زنده است. اقدام شجاعانه، قدرتمندانه با اتکا به نفس و برخاسته از یک عقلانیت صحیح و برخاسته از یک ایمان شورانگیز. (۱۳۸۶/۱۱/۱۹).	انقلاب اسلامی بر پایه یک عقلانیت صحیح بود.
۲۹	نظام جمهوری اسلامی نظامی است بر این پایه‌ها؛ نظامی است عقلانی، نظامی است دانشی. عقلانیت باید بر تمام ارکان این نظام از بالا تا پایین حاکم باشد؛ اما عقلانیت به معنای تسلیم نیست؛ عقلانیت به معنای هزیمت نیست؛ عقلانیت برای پیش رفتن و در جهت یافتن راه‌هایی برای هر چه موفقتر شدن در رسیدن به این آرمانهاست (۱۳۸۷/۰۶/۱۹).	جمهوری اسلامی نظامی عقلانی است.

ادامه جدول ۱: تبدیل نقل قول به مضمونهای پایه‌ای

ردیف	نقل قول	مضمون پایه‌ای
۳۰	بعضی‌ها با نام عقلانیت، با نام اعتدال، با نام پرهیز از جنجال و در دسر بین‌المللی، می‌خواهند از مبانی انقلاب و اصول انقلاب کم بگذارند! این نمی‌شود؛ این نمی‌شود؛ این نشانه بی‌صبری و نشانه خسته شدن است (۱۳۸۷/۰۶/۱۹).	نباید با نام عقلانیت از مبانی انقلاب عبور کرد.
۳۱	آیا می‌شود با بهانه عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت که ما عقلانیت به‌خرج می‌دهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند؛ شما هم همین‌طور خوشتان بیاید؛ دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه مقابل عقل است. عقل این است که به مجردی که دیدید برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را می‌کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار (۱۳۸۸/۰۹/۲۲).	از آثار عقلانیت، دشمن‌شناسی است.
۳۲	اینکه ما بیابیم مسئله عقلانیت را مطرح کنیم و بگوییم (بر سر عقل آمدن انقلاب)، این ما را به نتیجه نمی‌رساند. من یادم هست آن سالهای اول انقلاب از جمله حرفهایی که زده می‌شد، این بود که بایستی ما انقلاب را بر سر عقل بیاوریم! یعنی عقلانیت را به عنوان یک وسیله، بهانه قرار بدهند و از اصول و مبانی و پایه‌های اصلی صرف نظر کنند؛ این نباید انجام بگیرد (۱۳۹۰/۰۶/۱۷).	نباید با نام عقلانیت از اصول انقلاب صرف‌نظر کرد.
۳۳	آرمانگرایی عین عقلانیت است؛ زیرا اگر ملتی بدون آرمان شود، همانند وضعیت امروز جوامع غربی از درون تهی و پوچ خواهد شد (۱۳۹۵/۰۸/۲۶).	یکی از ابعاد انحراف نظام اسلامی، «مساوی دانستن آرمانگرایی با عدم عقلانیت» است.
۳۴	عقلانیت اقتضا می‌کند، نسبت به کسانی که دشمنی خود را آشکار کرده‌اند بی‌اعتمادی مطلق داشته باشیم (۱۳۹۵/۰۸/۲۶).	بی‌اعتمادی به امریکا نتیجه عقلانیت ناشی از فکر و تجربه است.

۲ - ۳ - تبدیل مضمونها

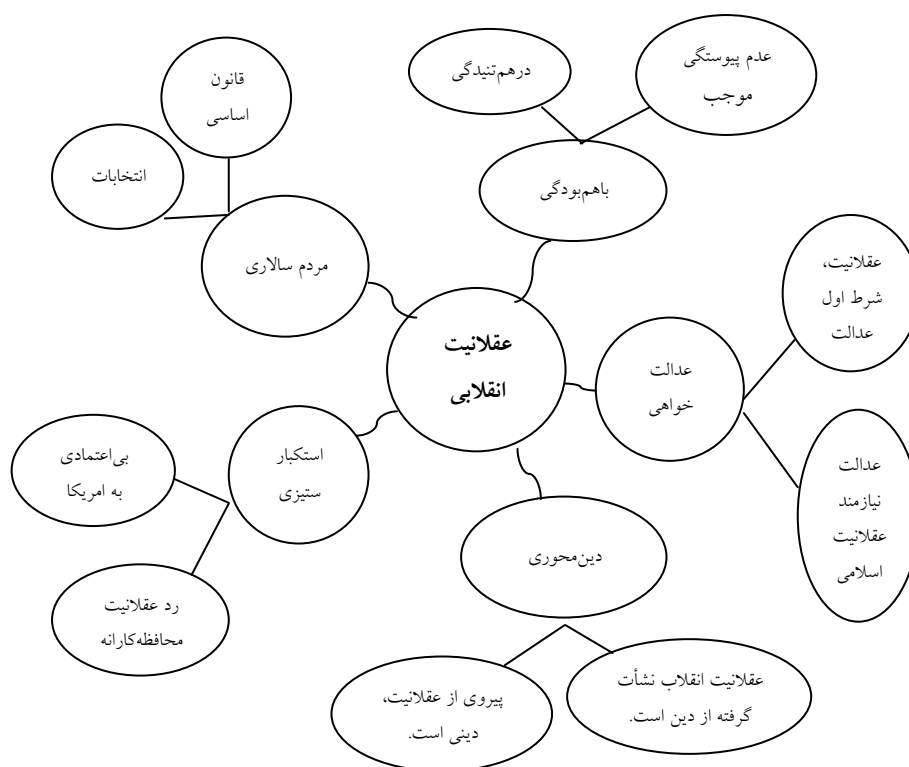
پس از دست یافتن به مضمونهای پایه‌ای باید مضمونهای سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر با توجه به مضمونهای پایه‌ای انتزاع شود. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازماندهی دوباره مضمونهای اولیه یا همان مضمونهای پایه‌ای به مضمونهای انتزاعی‌تری دست یابیم که ما را به مضمونهای اصلیت‌تر، فراگیرتر و مرکزیت‌ر رهنمون می‌سازد.

جدول ۲: از مضمونهای پایه‌ای به مضمونهای فراگیر

ردیف	مضمونهای پایه	مضمونهای سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱	عدالت با عقلانیت و معنویت در هم‌تنیده شده است.	باهم‌بودگی	عقلانیت انقلاب اسلامی
۲	عدم پیوستگی عقلانیت، عدالت و معنویت موجب انحراف خواهد شد.		
۳	معنویت، عقلانیت و عدالت سه بعد اصلی مکتب امام است.		
۴	اسلام انقلاب، اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت است.		
۵	عقلانیت امام نشأت گرفته از متن دین بود.	دین‌محوری	
۶	تفکرات شیعه، عقلانی است.		
۷	جدا کردن اسلام از عقلانیت ظالمانه است.		
۸	اسلام، دین زندگی و عقلانیت است.		
۹	پیروی از عقل، دینی و قرآنی است.		
۱۰	در عدالت، عقلانیت شرط اول است.	عدالتخواهی	
۱۱	عدالت فاقد عقلانیت به ضد خودش تبدیل می‌شود.		
۱۲	در اجرای درست عدالت به عقلانیت نیاز است.		
۱۳	بدون معنویت و عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند.		
۱۴	عقلانیت از شرایط دستیابی به عدالت است.		
۱۵	تحقق عدالت، نیازمند عقلانیت اسلامی است.		
۱۶	بی‌اعتمادی به امریکا نتیجه عقلانیت است.	استکبارستیزی	
۱۷	عدم انعطاف امام در برابر دشمن از مظاهر عقلانیت مکتب امام بود.		
۱۸	عقلانیت محافظه‌کارانه غیر قابل قبول است.		
۱۹	عقلانیت باید با شجاعت همراه باشد.		
۲۰	همدلی با دشمن عقلانیت نیست.		
۲۱	نباید با نام عقلانیت از اصول انقلاب عبور کرد.		
۲۲	انتخاب مردم‌سالاری بارزترین نمونه عقلانیت امام بود.	مردم‌سالاری دینی	
۲۳	تزریق روح اعتماد به نفس در ملت یکی از نمودهای عقلانیت مکتب امام است.		
۲۴	تدوین قانون اساسی توسط منتخبان ملت، مظهر عقلانیت امام خمینی (ره) بود.		
۲۵	از مظاهر عقلانیت امام، این بود که به مردم فهماند که آنها مالک این کشورند.		
۲۶	انتخابات عرصه ظهور عقلانیت است.		

۴ - کشف و توصیف شبکه مضمونها

با بررسی و تحلیل مضمونهای مرتبط با عقلانیت انقلاب اسلامی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به پنج مضمون سازمان‌دهنده دست پیدا می‌کنیم. این پنج مضمون اصلی عبارت است از: دین‌محوری، باهم‌بودگی، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی و مردم‌سالاری دینی. در ادامه، هر یک از این مضمونهای سازمان‌دهنده بیشتر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



نمودار ۱: شبکه مضمونی عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

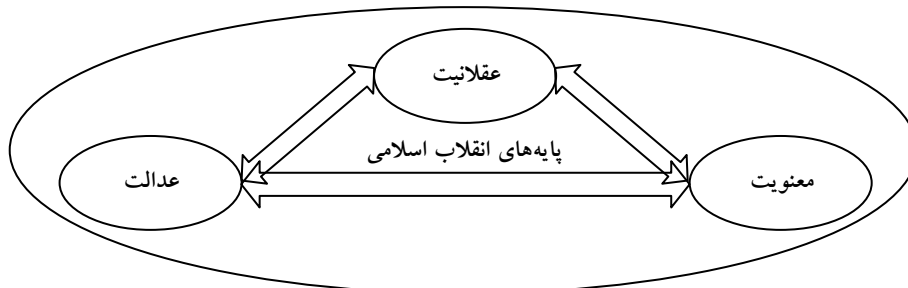
۱ - ۴ - دین‌محوری

از دیدگاه رهبری، پایه اصلی و اساسی انقلاب اسلامی «دین‌محوری» و «اسلامیت» است که یکی از اجزای اصلی این پایه «عقلانیت» است به طوری که رهبری معتقدند عقلانیت انقلاب و

مکتب امام(ره) نشأت گرفته از متن دین است و تمدن اسلامی بر پایه عقلانیت قرار دارد. در واقع، رهبری عقلانیت را از ثمرات اسلام می‌دانند و با تأکید بر پیوند میان «عقلانیت» و «عقل کلی الهی» و «حقایق و حیاتی»، مفهوم «عقلانیت دینی» را تبیین می‌کنند. نقطه عزیمت این تبیین در تحلیل بیانات ایشان «عقلانیت دینی» است که بر این مبنا، دینی بودن انقلاب اسلامی نه تنها مانعی بر حرکت عقلانی این نهضت تلقی نمی‌شود بلکه موجبات تعدیل و جلوگیری از غلبه احساس و عاطفه بر روند انقلاب نیز به شمار می‌رود؛ ضمن اینکه انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن عقلانیت عرفی سکولار، مسیر تازه و «الگوی نوینی از تحقق عقلانیت دینی» را در جهان معاصر به منصفه ظهور رساند^(۲). این تعریف از عقل برخاسته از درون دین کاملاً در راستای تبیین عقلانی از انقلاب اسلامی قابل دفاع و توجیه است. از همین رو، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اسلام، دین زندگی است؛ اما زندگی تهی از شرف و آزادگی و عزت را مرگ می‌شمارد. دین عقلانیت است؛ اما با نفسانیتی که خود را عقلانیت می‌نمایاند و دستمایه همان کسانی است که پیامبران خدا را مجنون می‌خواندند، مبارزه می‌کند» (۱۳۸۰/۱۱/۲۰).

۲ - ۴ - باهم‌بودگی

عنصر دیگری که از مؤلفه‌های کلیدی عقلانیت انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، ضرورت توجه همزمان به «عقلانیت، معنویت و عدالت» است که تحت عنوان عنصر «باهم‌بودگی» مطرح شد. توضیح اینکه از دیدگاه رهبری، سه بعد عقلانیت، معنویت و عدالت در اندیشه امام خمینی(ره) را یک بسته جدایی‌ناپذیر تشکیل می‌دهد. علت این تأکید این است که آنچه غرب و حتی شرق را به اضمحلال سیاسی و فرهنگی کشانده، همین تکه تکه دیدن و غفلت از حداقل یکی از این ابعاد سه‌گانه است. از همین رو، آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که مکتب امام یک بسته کامل و یک مجموعه، و دارای ابعادی است و این ابعاد را باید با هم دید و با هم ملاحظه کرد: «دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است... بُعد سومی هم وجود دارد که آن هم مانند معنویت و عقلانیت از اسلام گرفته شده است. عقلانیت امام هم از اسلام است. معنویت هم معنویت اسلامی و قرآنی است. این بُعد هم از متن قرآن و متن دین گرفته شده است و آن، بُعد عدالت است. اینها را باید با هم دید. تکیه بر یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا می‌کشاند؛ به انحراف می‌برد. این مجموعه، این بسته کامل، میراث فکری و معنوی امام است» (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).



شکل ۱: درهم‌تنیدگی پایه‌های انقلاب اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

بنابراین اگرچه مفاهیم بنیادین انقلاب اسلامی در فرایند تحلیل از یکدیگر جدا می‌شود در فرایند هم‌نهاد، دوباره در کنار هم قرار می‌گیرد و در ارتباط با یکدیگر، مجموعه‌ای منظم و منسجم را پدید می‌آورد. این نوع از تحلیل در سنت کلاسیک فلسفه اسلامی در دوره میانه ریشه دارد که با جلوگیری از جزئی‌نگری بر کلی‌نگری تأکید دارد. از همین رو، آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری بر پابندی به این مجموعه تأکید می‌ورزند و انحراف از آن را موجب انحراف از نظام اسلامی می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: «خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه می‌شوند؛ معنویت و عدالت با هم ملاحظه می‌شوند؛ شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند؛ عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود» (۱۳۸۸/۰۷/۰۲).

۳ - ۴ - عدالتخواهی

یکی از سه مفهوم بنیادین در اندیشه انقلاب اسلامی، بحث «عدالت» و «عدالتخواهی» است. همان‌طور که اشاره شد، مقام معظم رهبری، عدالت را درهم‌تنیده با دو مفهوم کلیدی دیگر، و شرط تحقق عدالت را در پیوند آنها با یکدیگر می‌داند: «من می‌خواهم این نکته را عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند با دو مفهوم دیگر بشدت درهم‌تنیده است: یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت

جداشد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود... عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بعدی است. بنابراین معنویت و عدالت در هم تنیده است» (۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

بنابراین از نگاه رهبری «در عدالت، عقلانیت شرط اول است»؛ چرا که «اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می‌شود؛ اگر درست در باب عدالت محاسبه نباشد» (۱۳۸۸/۰۶/۱۶). بنابراین از دیدگاه رهبری، تحقق عدالت نیازمند عقلانیت انقلاب اسلامی است و بی‌توجه به عقلانیت، عدالت نیز تأمین نمی‌شود.

۴ - ۴ - استکبارستیزی

یکی از عرصه‌های مهم عقلانیت در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی «استکبارستیزی» است که می‌توان از آن تحت عنوان «آرمان واقع‌بینانه انقلاب اسلامی» نام برد. مقام معظم رهبری در بیانات خود چهره واقعی استکبار را تبیین کرده، و مبارزه با استکبار را یکی از مهمترین ویژگیهای عقلانیت دانسته‌اند. از دیدگاه رهبری، مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی به منطق و عقلانیت وابسته است. ایشان می‌فرمایند: «مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی، و یک حرکت خردمندانه است؛ برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند وانمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطق و عقلانیت نیست، به عکس؛ حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است. از دین و آیه قرآن و آنچه الهام دینی است فعلاً صرف نظر می‌کنیم؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و «قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» را فعلاً کنار می‌گذاریم، چون کسانی به این چیزها معتقد هم نیستند یا باور هم ندارند؛ به تجربه ملت ایران تکیه می‌کنیم» (۱۳۹۴/۰۸/۱۲).

این فقره، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای را درباره به‌هم پیوستگی سه عنصر انقلابیگری، استکبارستیزی و عقلانیت نشان می‌دهد. رهبری در سخنرانی بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره)، که یکی از مهمترین سخنرانیهای ایشان درباره عقلانیت انقلابی است، یکی از ابعاد اصلی عقلانیت امام خمینی(ره) را «سرسختی و عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم» می‌داند و

می‌گوید: «امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضا می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته قوام‌یافته این مرد الهی، او را به این نتیجه رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش به پیشروی دشمن می‌انجامد. در میدان رویارویی دشمن از عقب‌نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید. هر یک قدم عقب‌نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام بزرگوار بود (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

رهبری انقلاب اسلامی با توجه به عقلانیت انقلاب، یکی از اشتباهات اساسی جبهه ملی و دکتر محمد مصدق را اعتماد به استکبار می‌داند (۱۳۹۴/۰۸/۱۲) و به همین دلایل تاریخی، مبارزه با استکبار و عدم انعطاف در برابر آن را یکی از وجوه بنیادین عقلانیت می‌داند و معتقدند که «مبارزه با استکبار، مبارزه با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست» (۱۳۹۴/۰۴/۲۰). عقلانیت انقلابی اقتضا می‌کند که ما بر مدار استکبارستیزی خود هوشمندانه حرکت کنیم و اگرچه ممکن است گاهی نرمش قهرمانانه نشان دهیم، دشمن خود را بخوبی بشناسیم و بازی نخوریم. آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند با وجود کسانی که محافظه‌کارند و با آرمانخواهی مشکل دارند و عقلانیت را در بزک چهره امریکا و فراموشی واقعیت‌ها می‌بینند، استکبارستیزی ما هوشمندانه و آرمان پایدار انقلاب اسلامی بوده و خواهد بود. بنابراین، رهبری انقلاب اسلامی اگرچه انقلاب اسلامی را ناشی از عقلانیت امام خمینی (ره) و مردم می‌داند، بین عقلانیت و محافظه‌کاری تمایز می‌گذارند و این دو را نقطه مقابل یکدیگر می‌دانند. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه عقلانی را با محاسبه محافظه‌کارانه به هیچ‌وجه نمی‌توان مخلوط کرد؛ اینها دو چیز است: «عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقلگرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست. محاسبه عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود ... این نگاه ضد غربی و ضد امریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه درست، به یک نگاه عقلانی درست،

به یک محاسبه صحیح (۱۳۸۴/۰۶/۱۱).

۵ - ۴ - مردم‌سالاری دینی

بررسی بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در سالگردهای ارتحال حضرت امام (ره)، که اهمیت خاصی به لحاظ اندیشه‌ای دارد، این نکته را روشن می‌کند که یکی از مهمترین مفاهیم مورد تأکید ایشان، «مردم‌سالاری» بوده است. رهبری در در پیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره)، پس از اینکه «عقلانیت» را به یکی از ابعاد کلیدی مکتب امام (ره) معرفی می‌کنند به بیان مظاهر این عقلانیت اشاره می‌کنند و «مردم‌سالاری» را بارزترین نمونه عقلانیت مکتب امام می‌دانند. رهبری می‌فرمایند: «من چند نمونه از مظهر عقلانیت امام عرض می‌کنم. اولین نمونه، همین گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور بود؛ یعنی تکیه به آرای مردم. انتخاب مردم‌سالاری، یکی از مظاهر روشن عقلانیت امام در مکتب حیاتبخش و نجاتبخش او بود... این، بارزترین نمونه عقلانیت امام بزرگوار ما بود» (۱۳۹۰/۰۳/۱۳/۱۴). بنابراین، یکی از پایه‌های عقلانی مکتب امام خمینی (ره) و نسخه سیاست مدنی ایشان بحث از مردم‌سالاری دینی است که رهبری در سخنرانیهای خود بدان اشاره کردند و مهمترین نکته در برقراری مردم‌سالاری دینی در جامعه ایران را حضور و مشارکت مردم در انتخابات به شمار آوردند و اینها را جوهره انقلاب دانستند.

نخستین و بنیادین‌ترین اساس حکومت دموکراتیک، قانون اساسی مکتوب است. حکومت دموکراتیک برای آشکار کردن خواست حکومت شوندگان باید دارای دستگاهی محدود و باثبات باشد و قوانین اساسی نوشته شده این وظیفه را عملی می‌کنند (عالم، ۱۳۹۱: ۲۹۷). به همین دلیل، رهبری انقلاب اسلامی تدوین قانون اساسی توسط منتخبان ملت را «مظهر عقلانیت امام خمینی (ره)» می‌داند و در این زمینه می‌گوید: «یک مظهر دیگر [مظهر عقلانیت]، تدوین قانون اساسی بود. امام خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. این جور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسایی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرای مردم قرار داد و رفراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است» (۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

نتیجه‌گیری

در این مقاله، عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. از دیدگاه رهبری، «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» پایه‌های اساسی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد که عدم پیوستگی میان این ابرمفاهیم، موجب انحراف و فروپاشی نظام اسلامی خواهد شد. از دیدگاه رهبری، عقلانیت جزء جدانشدنی انقلاب به شمار می‌رود. انقلاب بر حسب عقلانیت خاص خود به تولید مفاهیمی می‌پردازد که برای اداره جامعه و حرکت به سمت الگوی مطلوب از اهمیت اساسی برخوردار است. در واقع به نظر می‌رسد که از دیدگاه رهبری، مفاهیم منتج از عقلانیت انقلابی (دین‌محوری، کلی‌نگری، عدالتخواهی، استکبارستیزی و مردم‌سالاری)، آموزه‌هایی ذهنی و مبتنی بر قوه مجرد عقلی نیست، بلکه مفاهیمی «عملی» و «تمدن‌ساز» است که جمهوری اسلامی باید در راستای آن حرکت کند؛ به عبارت دیگر، ابر مفهوم عقلانیت هنگامی که در کنار پدیده انقلاب اسلامی می‌نشیند، شروع به تولید مفاهیمی می‌کند که می‌توان آنها را «مفاهیم قریب» یا «مفاهیم تمدن‌ساز» نامید. از طرفی، هر یک از این مفاهیم در «فضای» خاصی، اعتبار خود را نشان می‌دهد؛ برای مثال، مفاهیمی نظیر مردم‌سالاری دینی، انتخابات و تدوین قانون اساسی می‌تواند در «عقلانیت سیاسی» مؤثر باشد و یا عنصر «باهم‌بودگی» و «کل‌نگری»، که می‌تواند به لحاظ هستی‌شناختی و فلسفی (به لحاظ نوع نگاه به عالم و آدم) مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، می‌توان از عقلانیت انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف فلسفی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... صحبت کرد.

یادداشتها

۱ - منظور لالاند از عقل برسازنده، فعالیتی ذهنی است که اندیشه هنگام بحث و پژوهش به آن می‌پردازد و مفاهیم را شکل داده و مبانی را پی‌ریزی می‌کند؛ به عبارتی عقل برسازنده «خردی است که انسان در پرتوی آن می‌تواند از فهم روابط بین اشیا، مبادی کلی و ضروری را استخراج کند؛ اما عقل برساخته «مجموعه‌ای از مبادی و قواعدی است که در استدلال به آنها تکیه می‌کنیم» (جابری، ۱۳۹۱: ۳۰). درباره مفهوم «عقلانیت انقلابی» و نسبت آن با انقلاب اسلامی از این مقاله الهام گرفته شده است: بیننده، عبدالله، تجلی عقلانیت در سایه انقلاب؛ در این نشانی اینترنتی:

<http://tnews.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86/731461478239.html>

iran-newspaper.com

۲ - رجوع شود به:

منابع

- پارسانیا، حمید (۱۳۸۱). از عقل قدسی تا عقل ایزاری. فصلنامه علوم سیاسی - باقرالعلوم (ع). ش ۱۹. حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم؛ ۱۳۸۹/۰۷/۲۷.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی؛ ۱۳۹۰/۰۴/۲۷.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی (ره)؛ ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۸۸/۰۷/۰۲.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۸۳/۰۶/۳۱.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۸/۰۶/۱۶.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت؛ ۱۳۸۴/۰۶/۱۱.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی؛ ۱۳۸۳/۰۳/۲۲.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام در روز عید سعید فطر؛ ۱۳۸۶/۰۷/۲۱.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)؛ ۱۳۶۹/۰۳/۱۴.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی؛ ۱۳۸۵/۰۳/۲۹.
- حسین‌ی خامنه‌ای، سید علی، پیام رهبری به کنگره عظیم حج؛ ۱۳۸۰/۱۱/۲۰.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- درخشه، جلال و دیگران (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. جستارهای سیاسی معاصر. س ششم. ش ۳: ۵۳ تا ۷۲.
- شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۱). الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (ره). اسلام و مدیریت. س اول. ش ۱: ۷ تا ۳۶.
- عابد الجابری، محمد (۱۳۷۱). تکوین عقل عربی. ترجمه سید محمد آل‌مهدی. تهران: نسل آفتاب.
- عابد الجابری، محمد (۱۳۷۶). عقلانیت و هویت. مجله نامه فرهنگ. ش ۲۸: ۱۲۲ تا ۱۲۷.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۱). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

farsi.khamenei.ir

<http://iran-newspaper.com/newspaper/page/6148/7/116410/0><http://tnews.ir/%D8%B1%D9%88%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86/731461478239.html>